

علیرغم تلاش‌ها برای تقویت روابط نزدیک‌تر با اسرائیل، دوران تصدی پریماکوف شاهد سرد شدن روابط سیاسی روسیه و اسرائیل بود. این تا حدی به دلیل موضع پریماکوف در مورد فعالیت‌های اسرائیل در لبنان و فلسطین بود که نسبت به سلف او، آندری کوزیرف، انتقادی‌تر بود. تلاش‌های پریماکوف برای میانجی‌گری و کاهش وابستگی اعراب به ایالات متحده با هدف قرار دادن روسیه به عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه بود.

او به‌رغم موضع تاریخی روسیه در قبال اسرائیل به‌عنوان یک «دولت منحوس» پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، به دنبال حفظ نوعی رابطه با اسرائیل بود. این در راستای اهداف کلان سیاست خارجی وی بود که شامل حفظ منافع ملی روسیه در منطقه و حفظ ثبات بود. رویکرد پریماکوف به اسرائیل نیز تحت تأثیر تغییر چشم‌انداز سیاسی در روسیه و جهان بود. پس از پایان اتحاد جماهیر شوروی، روسیه در وضعیت ضعیفی قرار داشت و با چالش‌های اقتصادی و سیاسی روبرو بود.

موضع پریماکوف در قبال اسرائیل متأثر از پویایی داخلی در دولت روسیه و جناح‌های مختلف نیز بود. این جناح‌ها شامل «آتلانتیک‌ها» بودند که طرفدار سیاست خارجی طرفدار آمریکا بودند. «اوراسیانیست‌ها» که از سیاست خارجی متعادل روسیه حمایت می‌کردند. و «شوونیست‌ها» که ضد آمریکایی بودند و از سلطه روسیه بر کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت می‌کردند. این پویایی‌های داخلی در شکل دادن به رویکرد پریماکوف به اسرائیل و دیگر مسائل سیاست خارجی نقش مهمی داشت.

در ادامه لازم است دقیق‌تر به اهمیت و کم و کیف رابطه روسیه و اسرائیل در عصر پریماکوف بپردازیم. روابط روسیه و اسرائیل، مانند روابط روسیه و ترکیه، منعکس‌کننده تضاد بین منافع اقتصادی روسیه به دنبال روابط خوب با اسرائیل و بخشی از سیاسیون روسیه است که به دنبال منفعت سیاسی از درگیری بین اعراب و اسرائیل هستند و تمایلات ضد اسرائیلی دارند.

← **وجه مختلف منافع روسیه در رابطه با اسرائیل:**

- اول، در جبهه اقتصادی، تجارت گسترده‌ای وجود دارد که در سال ۱۹۹۵ از مرز ۵۰۰ میلیون دلار عبور کرد و اسرائیل را به شریک تجاری پیشروی روسیه در خاورمیانه پس از ترکیه تبدیل کرد.
- دوم، در جبهه دیپلماتیک، رابطه نزدیک با اسرائیل، روسیه را قادر می‌ساخت تا نقش مهمی در روند صلح اعراب و اسرائیل ایفا کند یا به نظر می‌رسد که نقش مهمی داشته باشد.
- سوم، با بیش از ۸۰۰۰۰۰ یهودی روسی زبان، اسرائیل دارای بزرگترین دیاسپورا روسی زبان در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق است و این منجر به روابط بسیار مهمی در تبادل فرهنگی و گردشگری شد، از جمله طرح‌هایی برای ساخت خانه فرهنگ

روسی در اورشلیم.

• چهارمین منفعت عمده، نظامی-فنی است، زیرا مجتمع نظامی-صنعتی روسیه علاقه فزاینده‌ای به تولید مشترک هواپیماهای نظامی با اسرائیل ابراز کرده بود، به خصوص که بسیاری از کارگران صنعت هواپیماسازی اسرائیل شهروندان شوروی سابق با تجربه در صنایع نظامی-صنعتی شوروی هستند. در دوره کوزیرف به‌عنوان وزیر خارجه روسیه، اختلافات دیپلماتیک-سیاسی نسبتاً کمی وجود داشت، اگرچه اسرائیل از فروش تسلیحات روسیه به ایران که اسرائیل آن را دشمن می‌داند ابراز ناخشنودی می‌کرد. هنگامی که اختلافات بین اسرائیل و همسایگان عربش، مانند لبنان، رخ داد، روسیه تحت رهبری کوزیرف رویکردی کاملاً متوازن را در پیش گرفت و از حامیان سرسخت قراردادهای اسلو یک و اسلو ۲ و معاهده صلح اسرائیل و اردن در سال ۱۹۹۴ بود.

با این حال، پس از روی کار آمدن پریماکوف به‌عنوان وزیر خارجه، روسیه به مراتب بیشتر از فعالیت‌های اسرائیل انتقاد کرد، چه در لبنان در زمان نخست‌وزیری شیمون پرزو چه نسبت به فلسطینی‌ها پس از روی کار آمدن نتانیاوو. در حالی که روند صلح اسرائیل و فلسطین در زمان نتانیاوو به هم می‌خورد، پریماکوف روسیه را هم به‌عنوان یک میانجی به جلو سوق داد تا نقش دیپلماتیک روسیه به رسمیت شناخته شود و وابستگی اعراب به ایالات متحده کم شود. نتیجه نهایی سرد شدن روابط سیاسی روسیه و اسرائیل بود با وجود سفر نسبتاً موفق نتانیاوو به مسکو در مارس ۱۹۹۷ که طی آن اسرائیل ۵۰ میلیون دلار اعتبار کشاورزی به روسیه اعطا کرد و در مورد گسترش تجارت و احتمالاً خرید گاز طبیعی روسیه مذاکره کرد. در واقع، با وجود اینکه روابط سیاسی بدتر شد (نتانیاوو بعداً به دلیل عرضه فناوری موشکی روسیه به ایران، بحث بیشتر درباره قرارداد گاز طبیعی را لغو کرد)، شرکت‌های روسی و اسرائیلی توافقنامه‌ای را برای تولید مشترک هواپیمای آواکس امضا کردند و در صنایع غذایی نیز همکاری‌هایی داشتند.

این نشان می‌دهد که روسیه حتی سال‌ها پیش از به‌وجود آمدن چالش‌هایی مانند جنگ داخلی سوریه و یا جنگ غزه در زمینه ایجاد رابطه متعادل بین بازیگران اصلی منطقه یعنی ایران، رژیم صهیونیستی و اعراب مشکلات جدی داشته است.

← **کتاب (آناتومی درگیری خاورمیانه)**

این یکی از کتاب‌های مهم پریماکوف می‌باشد که در آن تمرکز اصلی‌اش حول درگیری اعراب و صهیونیست‌ها است. در این کتاب پریماکوف نگاه خود را به عنوان یک سیاستمدار روس به مشکلات منطقه و ریشه‌های آن بیان کرده است و بدیهی است که نوشته‌های این کتاب منطبق بر ادبیات رسمی شوروی سابق و دیدگاه آن‌ان می‌باشد.

در فصول ابتدایی این کتاب ابتدا به شرح روند

اشغالگری توسط صهیونیست‌ها پرداخته و در بخش‌هایی بعدی سیاست آمریکایی‌ها در منطقه را بررسی کرده و در انتها راه حلی را برای پایان دادن به این مناقشه پیشنهاد داده است. در ادامه فصل انتهایی این کتاب با عنوان «راه به سوی صلح: دیدگاه شوروی» را ترجمه و ارائه کرده‌ایم.

← **فصل شانزدهم: کتاب آناتومی درگیری خاورمیانه: راهی به سوی صلح: دیدگاه شوروی**

اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی پیوسته برای حل و فصل سیاسی مسالمت‌آمیز مناقشه خاورمیانه به نفع همه مردم این منطقه مبارزه کرده‌اند. اجازه دهید جنبه‌های اساسی موضع شوروی در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل را بیان کنیم.

احتمالاً بهتر است با چگونگی ارزیابی ماهیت درگیری توسط اتحاد جماهیر شوروی شروع شود. اتحاد جماهیر شوروی آن را نه به‌عنوان «برخورد بین دو ناسیونالیسم»، بلکه به‌عنوان مظهر تقابل بین امپریالیسم و جنبش آزادیبخش ملی می‌بیند. این رویارویی درست در هسته تضاد نهفته است، حتی اگر یک رابطه مستقیم یک به یک نیست، و همچنین همیشه ساده نیست که در ظاهر آن را ببینید.

این تعبیر از مناقشه خاورمیانه، موضع سیاسی شوروی را از پیش تعیین کرده است که عبارت است از کمک و حمایت از کشورهای عربی و مردم فلسطین که قربانی گسترش و تجاوز اسرائیل شده‌اند. در بیانیه اجلاس عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست CPSU در ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷، در مورد سیاست اتحاد جماهیر شوروی در ارتباط با تجاوزات اسرائیل در خاورمیانه آمده است: «تجاوز اسرائیل نتیجه توطئه ارتجاعی‌ترین نیروهای امپریالیسم بین‌المللی به ویژه ایالات متحده است که علیه یکی از گروه‌های جنبش آزادیبخش ملی انجام می‌شود... اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، و همه تیره‌های مترقی و ضد امپریالیست در کنار مردم عرب در مبارزه عادلانه آنها علیه امپریالیسم و استعمار نو، برای حق مسلم حل مسائل زندگی داخلی و سیاست خارجی خود هستند.» بنابراین، همانطور که می‌بینیم، موضع اتحاد جماهیر شوروی در مورد مناقشه خاورمیانه بر اساس انترناسیونالیسم پرولتاریا و حمایت از مبارزات ملی - آزادیبخش خلق‌ها بنا شده و هنوز هم بر آن بنا است.

در عین حال، نگرش اتحاد جماهیر شوروی به مناقشه خاورمیانه بخشی از الگوی رویکرد کلی آن به مشکلات روابط بین‌الملل و تلاش چندین ساله آن برای بهبود آنها و سازماندهی مجدد نظام روابط بین‌دولتی است. اصول صلح، احترام متقابل، رعایت دقیق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها.

اگر ما چیزهای مختلف را در این زمینه ببینیم، علاقه اتحاد جماهیر شوروی به صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه به ویژه در دهه ۱۹۷۰ معنادار خواهد شد. توسعه و تحقق تنش زدایی و تنش زدایی غیر قابل بازگشت، در حال حاضر تا حد زیادی به حذف منابع

موضع پریماکوف در قبال اسرائیل متأثر از پویایی داخلی در دولت روسیه و جناح‌های مختلف نیز بود. این جناح‌ها شامل «آتلانتیک‌ها» بودند که طرفدار سیاست خارجی طرفدار آمریکا بودند. «اوراسیانیست‌ها» که از سیاست خارجی متعادل روسیه حمایت می‌کردند. و «شوونیست‌ها» که ضد آمریکایی بودند و از سلطه روسیه بر کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت می‌کردند